

دردنلا

الديبا ت دا سلتا نى

طوى عزان لعللا سببنا لاسلتا

نوع شمسى

دعلان و قسور

داسلتان

طوى

نظارتى لاسلتان



این طرح که صرفاً ابزاری برای تحلیل ادبیات داستانی^(۱) است، به شکل پرسشی درآمده تا خواننده همیشه به یاد داشته باشد که فقط او می‌تواند به آنها پاسخ دهد. خوشبختانه ما می‌توانیم با یکدیگر درباره ادبیات گفت و گو کنیم و نظرات استدلالی و آگاهانه‌ای در این باره بیان کنیم، ولی چنانچه قرار باشد اثر داستانی معنا و مفهومی نزد ما بیاید، و اگر بنا باشد آن را حس کنیم و کاملاً بفهمیم، باید دست تنها با آن کلنجار برویم و از دیگران به عنوان راهنما و خبره کمک نگیریم. اگر خواننده به هریک از این پرسشها با ظرافت و به طور مفصل پاسخ دهد، می‌تواند امیدوار باشد که مطمئناً اثر را به طور کامل خواهد فهمید و حس خواهد کرد. باید توجه داشت که همه پرسشها را

سقراط گفته است: «داستان بررسی نشده ارزش خواندن ندارد»، پس، این پرسشها باید به خواننده کمک کند تا به بررسی ادبیات داستانی بپردازد. در ضمن خواننده باید بتواند به کمک این پرسشها به سؤالات قدیمی‌تر و گسترده‌تری که جلی رگم پیش با افتاده بودندشان هنوز هم اساسی و مهم هستند، پاسخ دهد. سؤالهایی چون اینکه «نویسنده، می‌خواهد چه بکند؟» «چگونه به هدفش دست می‌یابد؟» و «آیا به زحمتش می‌ارزید؟»، بسیار قدیمی هستند ولی هنوز هم ضروری تلقی می‌شوند.

کلام آخر آنکه، نباید از داوری درباره داستان بیهیزیم، بلکه باید با کندی‌کاو تحلیلی ولی دلسوزانه، اطمینان یابیم که دریچه

نویسنده: رابرت دبلیو. لوئیز ● مترجم: خیام فولادی تالازی

طرحی برای تحلیل

ذهن خود را به روی آفریده هنری منحصر به فردی گشوده ایم و کوشیده ایم تا آن را بفهمیم.

تحلیل ادبیات داستانی

۱. پیشینه تاریخی

(الف) اثر چه موقع نوشته شده است؟ این تاریخ با رویدادهای قبل، معاصر و بعد-رویدادهای زندگینامه‌ای، ادبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - چه ارتباطی دارد؟ آیا این تاریخ اهمیتی دارد؟ آیا نویسنده صلاحیت پرداختن به موضوع را دارد؟ متعصب است یا بی‌دقت؟

(ب) آیا داستان به گونه‌ای چشمگیر و معنادار با آثار نویسندگان دیگر یا با منابع دیگر مرتبط است؟

(پ) جایگاه این داستان در میان کل آثار این نویسنده کجاست؟

(ت) آیا اوضاع و احوال خاص و مهمی در ساخت اثر دخیل است؟ آیا دانستن آن اوضاع و احوال به گونه‌ای به فهمیدن بهتر خود داستان کمک می‌کند؟

(ث) آیا نویسنده در نامه‌ها، مقاله‌ها، زندگینامه شخصی و نشریات گونه‌گون، درباره این داستان یا کل آثارش نظر سودمندی اظهار کرده است؟

۲. طرح

(الف) آیا می‌توانید خلاصه‌ای از این داستان بنویسید؟

(ب) آیا گسترش و پرداخت طرح از طریق شخصیتها صورت می‌گیرد یا شانس و تصادفی است؟ آیا طرح منطقی و باورکردنی

نمی‌توان درباره هر اثری مطرح کرد، و در نمونه‌هایی بسیار نیز پاسخ کامل به یک پرسش، جوابگوی چند سؤال دیگر نیز هست. در ضمن، خواننده بصیر می‌تواند سؤالات جدیدی مطرح کند تا برای تحلیل و بررسی انواع ویژه‌ای از ادبیات داستانی (چون داستانی علمی-تخیلی و طنز تلخ) به کار آید.

داستان کوتاه، با وجود شباهتهای بسیارش با رمان، شکل متمایز و مشخصی از ادبیات داستانی است که معمولاً نمی‌توان همه این پرسشها را درباره آن مطرح کرد. اما به طور کلی این پرسشها خواننده را قبل از خواندن اثر داستانی هوشیار و گوش به زنگ می‌گرداند و پس از خواندن نیز به او کمک می‌کند تا نظر و احساسش را درباره داستان کوتاه و یا رمان به زبان آورد یا به ذهن بسپارد.

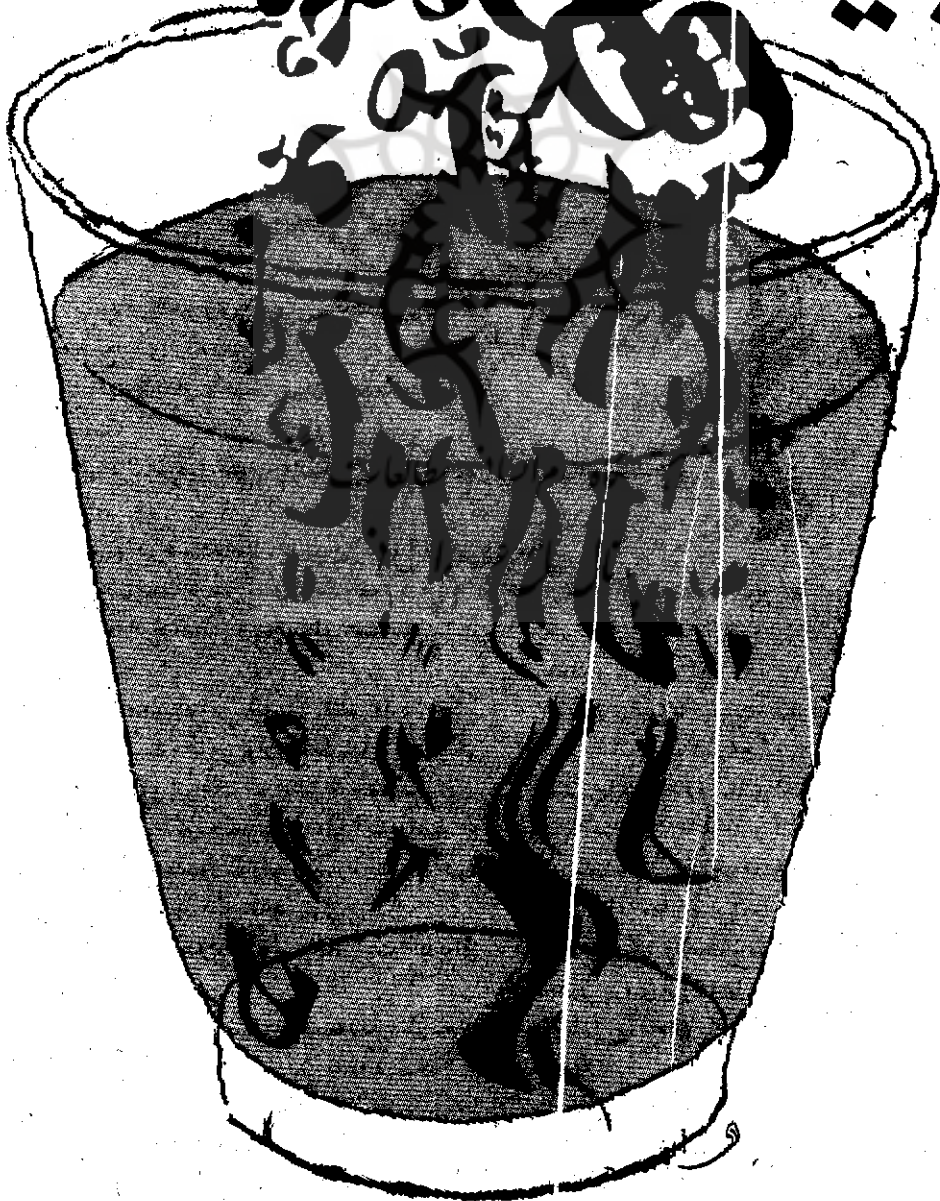
فقط در پرسشهای بخش نخست که مربوط به پیشینه تاریخی است، خواننده به منبع و مأخذی جدا از خود نیاز دارد تا بتواند به پاسخها دست یابد. و این بخش را باید قطعاً همان چه هست تلقی کرد: پیشینه صرف خود اثر. در برخی از انواع نقد و بررسی ادبی، پرسشهای مربوط به پیشینه تاریخی را می‌توان به طور کل نادیده گرفت. در موارد دیگر نیز باید توجه داشت که پس از تحلیل کامل مبتنی بر بخشهای دیگر این طرح، می‌توان به این پرسشها پاسخ داد. پیشگفتار یا مقدمه خود اثر اغلب پاسخ پرسشهای تاریخی را در خود دارد، اما منابع ادبی، کتابهای تاریخی، زندگینامه‌ها و اظهارنظرهای خود نویسنده در نشریات، نامه‌ها، مقاله‌ها یا زندگینامه شخصی اش گاهی اطلاعات سودمندی به خواننده می‌دهد که می‌توان از آنها برای سنجش انسجام اثر بهره برد.

است؟

پ) آیا طرح، آغاز، میان و پایانی یکدست و خوب دارد؟ آیا در بخش آغازین طرح می‌توانیم متوجه شویم که چه اتفاقی، برای چه کسی، در چه زمانی و در کجا روی داده است؟
ت) آیا موضوع خاصی در داستان مورد توجه نویسنده است؟ چگونه مشخص شده است. با بیان نویسنده (مراقب مغالطه عمدی نویسنده باشید)، یا با متمایز کردن این موضوع از موضوعات دیگر و تأکید و تکرار؟ آیا حادثه‌ای در داستان هست که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشید، یا طرح از حوادث متعددی تشکیل شده است که هیچ یک برجستگی خاصی ندارد؟
ث) اگر بیش از یک عمل داستانی وجود دارد، کدام یک،

طرح اصلی را می‌سازد و کدام یک طرح فرعی است؟
ج) آیا چیزی به ظاهر یا طرح اصلی نامرتبط است؟ اگر چنین است، آیا منظور خاصی را برآورده می‌کند؟
چ) کشمکش یا کشمکشهای داستان از چه سنجی‌اند؟ آیا مسأله اصلی، پیچیده است؟ قهرمان و ضدقهرمان را تعیین کنید. نقطه اوج یا بزنگاه کجاست؟
ح) آیا کنجکاوی ما برانگیخته می‌شود؟ چگونه؟
خ) دربارهٔ معضلات، رویدادهای شگفت، بازگشت به گذشته^(۱) و پیش‌بینی آینده^(۲) در داستان چه می‌توان گفت؟
د) آیا پایان‌بندی داستان قانع‌کننده است؟ آیا داستان ناگهانی تمام می‌شود یا به تدریج؟

ادبیات داستانی



ذ) آیا عنوان داستان خوب است؟ و به گونه ای اطلاع رسان است؟

۳. زمینه

الف) زمان تاریخی، مکان و پیشینه اجتماعی داستان چیست؟

ب) آیا زمینه تأثیری بر طرح یا شخصیتها دارد؟
پ) آیا صحنه برای عمل داستانی که در آن روی می دهد مناسب است؟

ت) آیا نمادگرایی در زمینه به کار رفته است؟ (نگاه کنید به ح.)

ث) عمل داستانی چقدر زمان می برد؟ نویسنده با خلاهای زمانی چه می کند؟

ج) جالبترین، گیرانترین یا مهمترین صحنه ها کدامند؟ نویسنده چگونه آن صحنه ها را می چیند؟

چ) زمینه چگونه تصویر می شود؟ با ریزه کاریهای عکس مانند؟ یا ارائه چند نکته معنادار به نحو امپرسیونیستی^(۳)؟ غیر مستقیم از طریق اندیشه ها و اعمال داستانی؟

ح) آیا زمینه کلی است، یا نویسنده به جزئیات هم پرداخته است؟ واقع گرا است یا سبک خاص دیگری در آن به کار رفته است؟ آیا از لحاظ درونمایه، این زمینه عملی و کارآمد است یا سطحی و اتفافی؟ زمینه خشک و بی روح است یا رؤیایی و رمانتیک؟ (اگر داستان در مکان دیگری روی دهد، تفاوت چندان می کند؟) آیا زمینه تمثیلی است یا نمادین یا صرفاً ادبی؟
۴. شخصیتها

الف) آیا می توانید از ظاهر و ویژگیهای برجسته هریک از شخصیتهای مهم جمع بندی ارائه دهید؟

ب) آیا هیچ شباهت یا تفاوت مهمی میان شخصیتها وجود دارد؟ (نگاه کنید به ث)

پ) آیا شخصیتها بر سر نوشت خود حاکمند یا قربانی شرایط هستند؟

ت) کدام شخصیتها در طول داستان تغییر می کنند؟ آیا این تغییر به سمت بهتر شدن است یا بدتر شدن؟ (نگاه کنید به ح.)

ث) کدام شخصیتها افراد متمایز و پیچیده ای هستند و کدامها همانند دیگران و ساده؟

ج) آیا هریک از شخصیتها در داستان نقشی دارد؟ نقش شخصیتهای کوچک چیست؟ آیا می توان شخصیتها را با یکدیگر مقایسه کرد؟ آیا شخصیتهای کوچک هم جالب توجه هستند؟

چ) شخصیتهای اصلی چگونه معرفی شده اند؟ با توصیف و تشریح و اظهار نظر نویسنده؟ با ارائه افکار و اعمال خود شخصیتها؟ با مشاهدات و اظهار نظر شخصیتها دیگر؟

ح) آیا تغییرات شخصیتها با اقامت سازگار است؟ آیا برای تغییر یافتن انگیزه کافی دارند؟

خ) نویسنده با کدام یک از شخصیتها مستقیماً یا تلویحاً، اظهار همدردی می کند؟ به کدام یک بی رحمی نشان می دهد؟

د) آیا نام اشخاص داستانی تناسبی با خود داستان دارد، یا به گونه ای اهمیت دارد؟ آیا نام شخصیتها نمادین است؟ (مثلاً،



نام ایوب برای شخصیت صبور داستان که مصایب زیادی متحمل می شود).

۵. سبک

الف) ویژگیها یا کیفیات ممتاز سبکی این اثر چیست؟
ب) سبک نویسنده را چگونه توصیف می کنید؟ ساده و سر راست، یا پیچیده و معلق؟ لطیف و روان و گیرا، یا تند و سخت؟ سرشار از اشارات و کنایات و معانی تلویحی، یا تهی از معانی متعدد و دارای یک معنای صریح؟ شاعرانه، عاطفی، یا متعادل؟ آیا از مجاز و استعاره زیاد استفاده می کند، یا صرفاً از معانی حقیقی واژه ها و ترکیبات بهره می گیرد؟ از سبک مشخصی پیروی می کند یا سبکی کلی؟ سبکش رسمی است، یا غیر رسمی یا محاوره ای؟ منسجم و یکدست است یا متغیر و ناهماهنگ؟

پ) آیا سبک نویسنده از هویت فردی برخوردار است و می توان آن را سبک شخصی نویسنده دانست؟ آیا می توان داستان

دیگری را از او، صرفاً بر مبنای سبک‌ش باز شناخت؟

ت) آیا طنز و مطایبه در داستان به کار رفته است؟ طنز داستان موقرانه است، یا مستهجن؟

ث) آیا گفت و گوها متناسب با سخنگویان است؟

ج) چند موقعیت نمایشی در داستان وجود دارد؟ چگونه شکل گرفته اند، با زمینه چینی یا غیر مترقبه و غافلگیرانه؟ چگونه ارائه شده اند، با اشاره و دلالت یا مفصل و با ذکر جزئیات، با گفت و گو یا با توصیف؟

چ) آیا سرعت روایت و حرکت داستان تغییر می کند؟ کجا و چرا؟

ح) آیا نویسنده بدون توجه به ارتباط موضوعها و رویدادها، و بدون زمینه چینی لازم، موضوعی را رها می کنند و به موضوعی دیگر می پردازد؟

خ) زاویه دید داستان چیست؟ آیا زاویه دید داستان منسجم و یکپارچه است؟ آیا با تغییر دادن زاویه دید می توان داستان بهتری نوشت؟ دلایل انتخاب یک زاویه دید خاص چیست؟ تأثیرات این انتخاب چیست؟

یک - دانای کل

(۱) دانای کل مفسر: نویسنده هم نقش راوی را دارد و هم فرد صاحب نظری است که در خلال داستان درباره شخصیتها و رویدادها اظهار نظر می کند و نظرات تحلیلی و تفسیری (و در نتیجه، ارزشی) خود را در جای جای داستان به خواننده ارائه می دهد.

(۲) دانای کل بی طرف: نویسنده نقش راوی را دارد و مستقیماً درباره چیزی اظهار نظر نمی کند، اما می تواند از یکی از شخصیتهای داستان برای این کار بهره بگیرد.

دو- دانای کل محدود

(۱) روایت سوم شخص، اما از زاویه دید فقط یک شخصیت. شیوه دیگر در این نوع روایت آن است که داستان از زاویه دید چند شخصیت روایت شود.

(۲) راوی اول شخصی که قهرمان داستان است.

(۳) راوی اول شخصی که شخصیت اصلی داستان نیست یا حتی یک ناظر بی طرف است.

سه- روایت کاملاً نمایشی که در آن راوی غایب و محو است. [این نوع روایت بسیار نادر است.]

د) آیا جمله یا بندی از داستان به علت بداعت، گیرا و پرمعنی و به یادماندنی شده است؟

ذ) از امکانات بسیاری که فرا روی نویسنده است، او چه مواردی را برگزیده است و این گزینش چه چیزی را نشان می دهد؟

ر) نویسنده کدام عمل داستانی یا صحنه را برای شرح و بسط دادن ترجیح می دهد؟ چه نوعی را نمایش می دهد و چه نوعی را روایت می کند؟ اهمیت نوع انتخابش در چیست؟

ز) سبک نویسنده چه اثراتی دارد: ایجاد فضا و رنگ یا حال و هوا (تأثیر بر خواننده)، لحن (ابراز تلویحی نگرش نویسنده درباره مواد داستانی اش)، کنایه و طعنه، کوتاهی در بیان

حقیقت، اغراق، ابراز احساسات و عواطف.

۶. زده شناسی

الف) بر کدام جنبه یا عنصر داستانی تأکید شده است (طرح، شخصیت، تأثیر عاطفی، درونمایه)؟ آیا این داستان را به دلیل اینکه توجه اصلی اش به درون و بیرون، ظاهر و باطن شخصیتهاست، می توان داستان شخصیتی (داستانی درباره اشخاص) خواند یا توجه اصلی داستان به رویدادها و عمل داستانی است، باید آن را داستان طرح دانست؟ یا داستان زمینه ای است و توجه اصلی به محیط؟ یا داستانی است درباره اندیشه و نظری یا موضوعی اخلاقی؟

ب) درونمایه یا معنای کلی داستان چیست؟ آیا همه عناصر داستان این معنا را تأیید و تقویت می کنند؟ آیا مؤلفه های معنادار دیگری هم در داستان هست- یعنی درونمایه جزئی؟ آیا نویسنده سؤال برمی انگیزد یا می کوشد که به سؤالات پاسخ دهد؟ آیا آنچه می گوید ارزش گفتن دارد (اما، مراقب باشید که با بیان جمله ای خاص درباره درونمایه داستان را تحریف نکنید، یا مرکب کم یا زیاده گویی درباره داستان نشود)؟

پ) فضای عقیدتی داستان چیست؟ چه نوع افکاری به نظر می رسد فرضیات و باورهای ناخودآگاه نویسنده باشند و در نتیجه، به طور ضمنی در داستان دخیل باشند؟ چه افکاری موضوع اصلی داستان و درونمایه آن را می سازند؟ چگونه ارائه شده اند، از طریق گفت و گو یا به شیوه نمایشی؟

ت) داستان به شیوه کدام سنت ادبی همگانی نوشته شده است؟ واقع گراست و می کوشد زندگی را همان گونه که هست تصویر کند و بر مشکلات و پوچیهها و نامردمیها و حوادث روزگار تأکید دارد یا رومانیک است و می کوشد با تأکید بر قوه تخیل و احساسات و عواطف، در ورای مسایل خشک و واقعی روزمره به حقایق بزرگتری دست یابد؟ طبیعت گراست، یا خیالی و وهمی، یا نمادگرا، یا تمثیلی، یا پیکارسک^(۵)، یا ...؟

ث) آیا نویسنده از تمثیل، حکایت، نماد، یا اسطوره در داستانش استفاده ای کرده است؟

ج) آیا اکنون می توانید درباره داستان داوری کنید؟ □

■ پانویس:

۱. مراد از ادبیات داستانی (Fiction) انواع رمان و داستان است و شعر و نمایشنامه را در بر نمی گیرد.

2. flashback

3. foreshadow

۴. امپرسیونیسم (Impressionism): شیوه ای در نقاشی که با کار گروهی از نقاشان فرانسوی از سال ۱۸۷۰ آغاز شد. هدف این نقاشی ترسیم و تصویر ظاهر و حالت موقتی و گذرای اشیاست و به ویژه بر نور و رنگ و فضا به جای شکل و ساختار تأکید دارد. در داستان نویسی به شیوه ای اطلاق می شود که از همین اصول پیروی کند.

۵. پیکارسک (Picaresque) به نوعی از داستان گفته می شود که به سرگذشت و سفرهای آدمهایی می پردازد که چهره هایی دوست داشتنی ندارند، ولی معمولاً آدمهای ذاتاً پلید و ردلی هم نیستند.